

کوروش پادشاه ایران زمین

کوروش فرزند کمبوجیه و ماندانا بر پدر بزرگ خویش استاگ شورید و پادشاهی ایران را در دست گرفت و دودمان هخامنشیان را بنیاد نهاد.

در سال ۵۴۶ قبل از میلاد، کراسوس شاه لیدیا با اندیشه پیروزی بر سرزمین پارسیان یورش بر ایران زمین را آغاز کرد. وی پیش از یورش، از کاهن معبد دلفی در یونان در زمینه یورش به پارسیان نگر(نظر)خواهی کرد و کاهن به او وعده داد که اگر حمله کند، امپراطوری بزرگی را نابود خواهد کرد. جنگ با ایران برای لیدیا یک فاجعه تاریخی بود. کراسوس بسختی شکست خورد. کوروش خاک لیدیا را در هم نوردید. کراسوس به اسارت ایرانیان در آمد و خاک لیدیا(ترکیه فعلی) ضمیمه شاهنشاهی کوروش قرار گرفت و مرزهای شرقی ایران به دریای اژه رسید. کوروش کراسوس را بخشید و از او یک فرمانده با وفا ساخت و بعدها همین کراسوس و ارتش لیدیا برای پیشبرد هدفهای امنیت گسترانه کوروش نبردها کردند.

کوروش که شخصیتی آزاد اندیش و عاری از پی دورزی(تعصب) بود، خدایان و ادیان ملل شکست خورده را به رسمیت شناخت، همگان را در اجرای مراسم دینیشان آزاد گذاشت، معابدشان را در زیر پوشش کمکهای دولتی قرار داد و بدینسان دل های همه ی ملت های مغلوب را بسوی خویش جلب کرد. چشم تاریخ تا آن هنگام چنان فاتح پر مهر و شفقتی را به خود ندیده بود و ملت های مغلوب در برابر این همه مهر و بزرگواری چاره ای جز محبت او را نداشتند و دوستی او در دل همه اقوام تحت فرمانروائی ایران ریشه دواند.

پس از اینکه مرزهای شرقی ایران در جوار بابل قرار گرفت، آوازه انساندوستی و بزرگمنشی کوروش به میانرودان رسید و بابلیان را که از جور ستمگری به نام نونهد به تنگ آمده بودند بر آن داشت که دست استمداد بسوی کوروش دراز کنند. فتح امپراطوری بابل برای کوروش با همکاری مردم بابل و هماهنگی روحانیون مردوخ انجام شد.

کوروش با ایمان به سرزمین ایران، جهان گشائی را به هدف برقرار کردن آشتی و آسایش و برابری و از میان بردن ستم و ناراستی انجام میداد. هر کشوری را که گشود، فرمانروائیش را دوباره به همان حکومتگران پیشین واگذاشته بود تا از سوی او سرزمین خودشان را با دادگری اداره کنند. در هیچ جا به معابد و متولیان امور دینی ملل مغلوب آسیب وارد نکرد

کوروش پس از تسخیر بابل اعلام بخشش همگانی کرد، ادیان بومی را آزاد اعلام کرد، هیچ انسانی را به بردگی نگرفت و سپاهیان را از تجاوز به جان و مال رعایا باز داشت و دستور داد خرابیهای جنگ را بازسازی کنند و در این راه خود پیش قدم شد و شروع به بازسازی دیوار شهر کرد. در میانرودان چهل هزار یهودی توسط شاهان آشور و بابل برای بردگی به این منطقه آورده شده بودند. کوروش دستور آزادی آنها را صادر کرد و به آنها وعده داد موجبات برگشتشان را به سرزمینشان فراهم کند. بعد از فتح میانرودان، شام(سوریه)، فینیقیه و فلسطین نیز ضمیمه خاک ایران شدند این پادشاه انساندوست در استوانه معروف به اعلامیه حقوق بشر چنین نوشته است:

منم کوروش شاه جهان، شاه بزرگ، شاه شکوهمند، شاه بابل، شاه سومر و اکاد، شاه چهار اقلیم بزرگ جهان، پور کمبوجیه شاه بزرگ شاه انشان، نوه کوروش شاه بزرگ شاه انشان، از دودمان شاهان روزگاران دور.... هنگامی که دوستانه قدم درون بابل نهادم و در میان هلهله های شادی مردم کاخ شاهان و تختگاه آنها را به تصرف در آوردم سلطان بزرگ مردوخ دلهای نیک مردان بابل را با من همراه ساخت زیرا من همواره بر آن بودم که او را بزرگ بدارم و بستایم. سپاه بزرگ من در آرامش و نظم وارد بابل شدند من به هیچکس اجازه ندادم که در سومر و اکاد دست به

تجاوز و تعدی بزند. من در بابل و دیگر شهر های مقدس نظم و امنیت برقرار کردم. از آن پس مردم بابل به آزادی رسیدند و یوغ بردگی از دوششان برداشته شد... مردم این سرزمینها را به سرزمینهایشان برگرداندم و املاکشان را به آنان باز دادم.

رفتار انساندوستانه کوروش با اقوام مغلوب از او یک شخصیت مقدس و مافوق بشری ساخت. روحانیون بابل او را پیامبر مردوخ ، و انبیای اسرائیل او را شبان یهوه و مسیح موعود و تجسم عینی خدای دادگستر خوانده اند. مسلمانان او را ذوالقرنین می دانند. که نامش در قرآن آمده است . و چه زیبا گفته است ارد بزرگ که : کوروش نماد فرمانروایان نیک اندیش است و نام او می ماند ، چرا که از راستی و کمک به آدمیان روی برنگرداند .

مرزهای کشور کوروش در شرق از حدود رود سند و رود سیحون آغاز می شد و در غرب به دریای مدیترانه و دریای اژه می رسید. نقش کوروش در سازندگی تاریخ اهمیت ویژه ای دارد. در این زمینه گزینوفون می گوید: "کشور کوروش بزرگترین و شکوهمندترین بود و این سرزمین پهناور را کوروش به نیروی تدبیرش یک تنه اداره می کرد. کوروش چنان به ملت‌هایی که در این سرزمینها می زیستند دلبستگی داشتو از آنها مواظبت می نمود که گوئی همه آنها فرزند اویند. مردم این سرزمینها نیز به بوبه خود ویرا پدر و سرپرست غمخوار خودشان می دانستند. کارگزاران دولت در عهد کوروش به تمامی عهد و پیمانها و سوگندهایشان وفاداری نشان میدادند و از او فرمان می بردند." کوروش پس از حدودا ۲۳ سال فرمانروائی درگذشت و پیکرش در پاسارگاد به خاک سپرده شد.

منبع: راسخون

[/http://history-of-world.persianblog.ir/post/96](http://history-of-world.persianblog.ir/post/96)